

تفسیر سورہ

اخلاص

سیمای سوره توحید

برخی از اهل کتاب و مشرکان، از پیامبر خواستند که خدایت را برای ما معرفی کن؛ این سوره که به منزله شناسنامه خداوند است، نازل شد و خداوند را از داشتن پدر و مادر یا فرزند و همسر و یا شبیه و شریک، پاک و منزه دانست. این سوره شامل خالص‌ترین عقاید توحیدی است، از این رو سوره توحید و اخلاص نام گرفته است.

در فضیلت این سوره، روایات بسیاری وارد شده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:^(۱)

در هر شبانه روز، لااقل یکبار این سوره را در نمازهای خود بخوانید و پس از آن بگویید: «كذلك الله ربِّي: پروردگار من چنین است.»

به گفته روایات، این سوره در اهمیت، به منزله یک سوم قرآن است. یک بار تلاوت آن، برابر تلاوت یک سوم قرآن و دوبار تلاوت آن، معادل دو سوم و سه بار تلاوت آن برابر تلاوت کل قرآن است.

رسول خدا ﷺ فرمود: سوره توحید مثل علی بن ابی طالب است که هر کس او را قلباً دوست دارد یک سوم ایمان را داراست و هر کس با قلب و زبان دوست بدارد دو سوم ایمان را دارد و هر کس با قلب و زبان و اطاعت در عمل، همراه او

۱. مجموع روایات در تفسیر نور الثقلین، (ج ۵، ص ۶۹۹ - ۷۱۵) آمده است.

باشد ایمانش کامل است.

تلاوت این سوره به عنوان یکی از تعقیبات نماز به شمار آمده و در روایات می‌خوانیم: هرکس تلاوت آن را بعد از هر نماز ترک نکند، خداوند خیر دنیا و آخرت را به او می‌دهد و او و والدین و فرزندان را می‌آمرزد.

امام سجاده علیه السلام فرمود: چون خداوند می‌دانست که در دوره آخر الزمان گروهی دقیق و عمیق خواهند آمد، سوره توحید و شش آیه اول سوره حدید را نازل فرمود.

تلاوت این سوره به شش سمت، سبب حفظ شدن انسان از خطرات و ایمن شدن از حوادث می‌گردد.^(۱)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

﴿۱﴾ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ

بگو: او خداوند یگانه است.

نکته‌ها:

□ کلمه «الله» از «وَلِه» به معنای تحیر است، یعنی آفریده‌ها از درک حقیقت او عاجز و در شناخت ذات او واله و متحیرند. چنان که امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: معنای الله آن است که او معبودی است که آفریده‌ها در او حیرانند، زیرا او از درک دیدگان مستور و از دسترس افکار و عقول، محجوب است.^(۲)

□ میان کلمه «واحد» و «أحد» تفاوت است. «واحد» در جایی به کار می‌رود که ثانی و ثالث برای آن فرض شود، بر خلاف «أحد» که در مورد یکتا و یگانه استعمال می‌شود. چنانکه اگر

۱. مصباح کفعمی، ص ۲۴۶.

۲. بحار الانوار، ج ۳، ص ۲۲۲.

گفتی: یک نفر حریف او نیست، یعنی چند نفر حریف او می‌شوند، اما اگر گفتی: آحدی حریف او نیست، یعنی هیچ حریفی ندارد.

□ توحید، مرز میان ایمان و کفر است و ورود به قلعه ایمان بدون اقرار به توحید ممکن نیست. اولین سخن پیامبر کلمه توحید بود: «قولوا لا اله الا الله تفلحوا». شعار توحیدی «لا اله الا الله» از سه حرف (الف، لام و ها) ترکیب شده و ذکرى است که در گفتش حتى لب تکان نمی‌خورد ولی عملش تا اطاعت از رهبری معصوم و جانشینان آنان ادامه دارد؛ زیرا شرط توحید طبق فرمایش امام رضا علیه السلام ایمان به امام معصوم و اطاعت از اوست. در سفری که امام رضا علیه السلام با اجبار مأمون وادار به هجرت از مدینه به مرو شد، در مسیر راه وقتی به نیشابور رسید، مردم دور آن حضرت جمع شدند و از او هدیه و رهنمود خواستند. امام رضا علیه السلام فرمود: پدرم از پدرش و او از اجدادش و آنان از پیامبر خدا نقل کردند که خداوند فرموده است: «کلمة لا اله الا الله حصنی فمن دخل حصنی أمن من عذابی: توحید، قلعه من است و هر کس داخل این قلعه شود از قهر من در آمان است.» آنگاه امام رضا علیه السلام فرمود: البته توحید شروطی دارد و من (که امام حاضر هستم) شرط آن هستم، یعنی توحید بی‌ولایت پذیرفته نیست. در زمان غیبت امام معصوم نیز، بنا بر فرمان خودشان باید به سراغ فقهای عادل که از هوی و هوس دورند، برویم. بنابراین توحید کامل، ایمان به یکتایی خداوند، دور کردن فکر و عمل از هر نوع شرک و پیروی از رهبران معصوم در زمان حضور و فقهای عادل در زمان غیبت است.

□ حضرت علی علیه السلام در نامه‌ای به فرزندش امام حسن علیه السلام می‌نویسد: «لَوْ كَانَ لِرَبِّكَ شَرِيكٌ لَأَتَيْتَكَ رُسُلَهُ» اگر پروردگارت شریکی داشت، او نیز پیامبرانی می‌فرستاد تا مردم او را بشناسند و بندگی‌اش کنند.^(۱)

□ دلیل یکتایی او، هماهنگی میان آفریده‌هاست. چنانکه امام صادق علیه السلام «اتصال التدبیر» را نشانه یکتایی آفریدگار می‌شمارد.^(۲) هماهنگی میان خورشید و ماه و زمین و آب و باد و

۱. نهج البلاغه، نامه ۳۱. ۲. تفسیر نورالثقلین ج ۳، ص ۴۱۸.

خاک و کوه و دشت و دریا با یکدیگر و هماهنگی همه آنها با نیاز انسان، نشانه یکپارچگی تدبیر در نظام هستی است. انسان اکسیژن می‌گیرد و کربن پس می‌دهد ولی گیاهان کربن می‌گیرند و اکسیژن پس می‌دهند. نیازهای طفل با محبت والدین و خستگی روز با خواب شب تأمین می‌شود. چشم که از پی ساخته شده با آب شور حفظ می‌شود و دهان که راه ورودی غذا به معده است، با آب شیرین که در هضم غذا مؤثر است، مرطوب می‌شود.

□ در جنگ جمل، یک عرب صحرائشین درباره معنای توحید از حضرت علی علیه السلام سؤال کرد. دیگر رزمندگان از او ناراحت شدند که این چه سؤال نابجایی است، اما آن حضرت فرمود: جنگ ما برای توحید است و آنگاه معنای صحیح توحید را برای او بیان فرمود.^(۱)

□ خداوند، نه فقط در ذات، بلکه در صفات نیز یکتاست. او مثل ما نیست که صفاتش از ذاتش جدا باشد. ما علم و قدرت داریم ولی در کودکی نداشتیم و در پیری نیز از دست می‌دهیم. خداوند علم و قدرت دارد ولی این صفات برای او پیدا نشده، بلکه همراه ذات او بوده است، چنانکه صفت مخلوق بودن، عاجز بودن و فقیر بودن هیچ‌گاه از ما جدا نبوده و جدا نخواهد شد.

پیام‌ها:

- ۱- پیامبران امین وحی‌اند، خداوند به پیامبر فرمود. ﴿قل...﴾ او نیز می‌گوید: ﴿قل...﴾
- ۲- خداوند، در عین حضور، از دیدگان غایب است و قابل مشاهده نیست. ﴿هو﴾ (اهل توحید عقیده دارند که ﴿لا تدركه الابصار و هو يدرك الابصار﴾^(۲) چشم‌ها او را درک نمی‌کند ولی او چشم‌ها را درمی‌یابد.)
- ۳- به سؤالات اعتقادی باید پاسخ داد. ﴿قل هو الله...﴾
- ۴- عقاید حق را باید به دیگران اعلام کرد. ﴿قل هو الله...﴾
- ۵- خداوند در همه چیز یکتاست. در ذات و صفات، در علم و قدرت و حیات و

۱. تفسیر نورالثقلین.

۲. انعام، ۱۰۳.

حکمت، در آفرینش و هستی بخشی. ﴿قل هو الله احد﴾

﴿۲﴾ اللهُ الصَّمَدُ

خداوندی که مقصود همگان است.

نکته‌ها:

- «صَمَد» به معنای قصد کردن است. خداوند صمد است، یعنی همه موجودات در امورشان او را قصد می‌کنند و او مقصود همگان است. چنانکه امام جواد علیه السلام در معنای «صمد» فرمود: «سَيِّدُ مَصْمُودٍ إِلَيْهِ: او بزرگی است که موجودات به او رجوع می‌کنند و محتاج اویند.» نظیر آیه ﴿انَّ إِلَى رَبِّكَ الْمُنْتَهَى﴾. (۱)
- امام حسین علیه السلام در پاسخ اهل بصره که از معنای صمد سؤال کرده بودند، فرمود: معنای صمد همان جملات پس از آن یعنی ﴿لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ﴾ است. (۲)
- حضرت علی علیه السلام در تفسیر صمد فرمود: «هو الله الصمد الذي لا من شيء و لا في شيء و لا على شيء، مبدع الأشياء و خالقها و منشئ الأشياء بقدرته، يتلاشى ما خلق للفناء بمشيئته و يبقى ما خلق للبقاء بعلمه» (۳) خداوند صمد کسی است که از چیزی به وجود نیامده، در چیزی فرو نرفته، و بر چیزی قرار نگرفته است، آفریننده اشیا و خالق آنها است، همه چیز را به قدرتش پدید آورده، آنچه برای فنا آفریده به اراده‌اش از هم متلاشی می‌شود و آنچه برای بقاء خلق کرده به علمش باقی می‌ماند.
- امام صادق علیه السلام فرمود: اگر اهلش را پیدا می‌کردم از همین کلمه «صمد» توحید و اسلام و ایمان را استخراج می‌کردم. (۴)

پیام‌ها:

۱- توجه تمام موجودات، خواسته یا ناخواسته به سوی اوست. ﴿الله الصمد﴾

۳. تفسیر نورالثقلین.

۲. تفسیر نورالثقلین.

۱. نجم، ۴۲.

۴. تفسیر نورالثقلین.

- ۲- تنها او غنی است و همه به او محتاجند. ﴿اللَّهُ الصَّمَدُ﴾
 ۳- تنها خداوند است که سزاوار قصد کردن است. ﴿اللَّهُ الصَّمَدُ﴾ (حرف الف و لام در الصمد برای حصر است.)
 ۴- موجودات، در همه امورشان محتاج اویند. ﴿اللَّهُ الصَّمَدُ﴾ (کلمه صمد مطلق است و شامل تمام احتیاجات مادی و معنوی مخلوقات می شود.)

﴿۳﴾ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ

فرزند نیاورده و فرزند کسی نیست.

نکته‌ها:

- رابطه خداوند با موجودات، رابطه آفرینش است نه زایش. او موجودات را می‌آفریند، یعنی از نیستی به هستی می‌آورد، نه آنکه خود بزاید. زیرا نوزاد از جنس والدین و در واقع جزئی از آنهاست، در حالی که هیچ چیز از جنس خداوند و یا جزئی از او نیست.
- چون بیشتر مشرکان و اهل کتاب برای خداوند فرزند قائل بودند، لذا ﴿لَمْ يَلِدْ﴾ که به معنای نداشتن فرزند است، مقدم بر ﴿لَمْ يُولَدْ﴾ آمده است.^(۱)
- موجودات، نه فقط از او زاده نشوند، بلکه حتی از او خارج نشوند، آن گونه که میوه از گل، درخت از هسته، آب از ابر و چشمه، آتش از چوب، کلام از دهان، نوشته از قلم، بو از گل، مزه از غذا، فکر از عقل، گرما از آتش، سرما از یخ، خواب و خیال از ذهن، اندوه و شادی و بیم و امید از دل، صادر و خارج می‌شوند.^(۲)
- این آیه، هم عقیده مسیحیت که عیسی را فرزند خدا می‌دانند و هم عقیده یهود که عزیر را فرزند خدا می‌دانستند و هم عقیده مشرکان جاهلی که فرشتگان را دختران خدا می‌پنداشتند، رد می‌کند.

۱. تفسیر نوین.

۲. بخشی از مطالب فوق برخاسته از سخن امام حسین علیه السلام در پاسخ مردم بصره است که از آن حضرت معنای صمد را پرسیده بودند. (تفسیر نورالثقلین)

پیام‌ها:

- ۱- صَمَدِيَّت و بی‌نیازی خداوند از همه چیز، دلیل آن است که او نیاز به فرزند و والدین ندارد. ﴿اللَّهُ الصَّمَدُ. لَمْ يَلِدْ و لَمْ يُولَدْ﴾
- ۲- خداوند علّتی ندارد و از چیزی به وجود نیامده است. ﴿و لَمْ يُولَدْ﴾
- ۳- مولود، معلول است و نمی‌تواند خدا باشد. ﴿و لَمْ يُولَدْ﴾ (چگونه مسیحیان عیسی را مولود مریم، ولی باز هم او را خدا می‌دانند؟)

﴿۴﴾ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ

و هیچ همتایی برای او نباشد.

نکته‌ها:

- «كُفُوًا» به معنای شبیه و نظیر و مانند است.^(۱) چنانکه در بحث ازدواج، توصیه شده همسری انتخاب کنید که «کفو» شما باشد. یعنی در دین و اخلاق شبیه و مانند شما باشد.
- خدا صمد است، یعنی او از دیگران بی‌نیاز و همه به او نیازمندند. بنابراین نمی‌تواند همتایی داشته باشد، زیرا همتای او باید بی‌نیاز از او باشد که این با صمد بودن خدا سازگار نیست.
- آیه قبل، فرزند بودن و فرزند داشتن را از خدا نفی کرد، این آیه وجود هرگونه همسر را از او نفی می‌کند. چنانکه در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: ﴿مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً و لَا وَلَدًا﴾^(۲) او نه همسری انتخاب کرده و نه فرزندی دارد.

پیام‌ها:

- ۱- نه در ذات، نه در صفات و نه در افعال، هیچ کس و هیچ چیز شبیه و مانند خداوند نیست. ﴿و لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ﴾
- ۲- خداوند شبیه ندارد تا بتواند شریک او در امور هستی گردد. ﴿و لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ﴾ «و الحمد لله رب العالمین»

۱. نه‌ایة ابن اثیر.

۲. جنّ، ۳.